

بررسی مبانی اصول کیفری در قرآن

بیژن نجفی^۱، قباد نادری^۲

^۱ دانشجوی دکتری حقوق جزا و جرم شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرمانشاه.

^۲ عضو هیئت علمی دانشگاه پیام نور.

نام نویسنده مسئول:

بیژن نجفی

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۳/۱۹

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۵/۲۶

چکیده

مقررات جزایی هر جامعه وسیله‌ای برای حفظ ماهیت و شکل موجود توزیع ارزش‌ها میان گروه‌ها و اعضای جامعه است که در سیستم حقوق از این مقررات تحت عنوان حقوق کیفری نام برده می‌شود. در حقوق کیفری اصل و مبنا جرایم است که کفرات جزایی با داشتن یک سری از اصول خاص در جهت اهداف پیشگیری، سزادهی، و تادیب و سایر اهداف قدم بر می‌دارد. بنابر این قوانین جزایی خود آفریننده حقوقی را برای افراد نیست، بلکه از طریق تهدید و تحمیل مجازات‌ها می‌کوشد تا افراد را به احترام و رعایت وضع موجود توزیع ارزش‌ها وادار کند. قرآن کریم که دستورات الهی در آن تجلی یافته و منبعی غنی برای احکام اسلام است، در بخش حقوق جزا دارای اصولی است که اصول حقوق جزای عرفی با آن قابلیت انطباق دارد و با اثبات این امر می‌توان نتیجه گرفت که قرآن کریم مقدم بر بسیاری از مکاتب نوظهور حقوق جزا و جرم‌شناسی، درباره این اصول مباحث مهمی را در خود جای داده است که در این مقاله سعی شده است به بررسی این موضوع پرداخته شود.

واژگان کلیدی: حقوق کیفری، جرم و مجازات، قرآن کریم، نظام کیفری.

مقدمه

جرم، مجرم و مجازات بحث اصلی حقوق جزای عمومی را تشکیل می‌دهند، قانون جزای مصوب در مقررات جزایی بیشتر کشورها، به این سه موضوع اختصاص می‌یابد، در نظام‌های حقوقی گوناگون، حقوق جزا ضامن ارزش‌های مورد حمایت هر جامعه ای به حساب می‌آید. در حقوق جزای اسلامی سیاست کیفری مبتنی بر اصولی است که که مهمترین آنها عبارتند از :

الف- حفظ و حراست جامعه از علل و موجبات گناه و جرم (با ممنوعیت شرب مسکرات و یا رفتاری-بر ضد اخلاق حسنه و عفت و نظم عمومی و روابط صحیح خانوادگی).

ب- حتمیت و قاطعیت اجرای کیفرهای اسلامی نسبت به کسانی که فاقد هر گونه انگیزه و مجوزی برای ارتکاب گناه و-جرم بوده اند(در مورد ارتکاب ضرب و جرح و قتل‌های اتفاقی و بدون سبق تصمیم).

ج- تامین خیر و سعادت و مصلحت و منفعت مردم در شریعت اسلام د- تعیین کیفر مناسب به عنوان ضرورتی اجتماعی، به منظور حمایت جامعه از گزند بزهکاران

ه- پذیرفتن اصل عدم مسئولیت کیفری نسبت به افراد فاقد ادراک و اختیار (مجنون، صغیر، مکره و مجبور) با استفاده از اقدامات تامینی برای حمایت اجتماع از آسیب و زیان احتمالی افراد غیر مسئول.

و- تقویت ایمان افراد از نظر پیشگیری از بزهکاری، تشریح کیفر برای تهذیب اخلاق و اصلاح بزهکار، اثر امر به معروف و نهی از منکر در ارتباط با تقلیل جرائم. قرآن کریم که دستورات الهی در آن تجلی یافته و منبعی غنی برای احکام اسلام است، در مبحث حقوق جزا دارای اصولی است که اصول حقوق جزای عرفی با آن قابلیت انطباق دارد و پس می‌توان اثبات کرد که قرآن کریم مقدم بر بسیاری از مکاتب نوظهور حقوق جزا و جرم شناسی می‌باشد. همانطور که قید گردید در نظام‌های حقوقی مختلف، حقوق جزا ضامن ارزش‌های مورد حمایت هر جامعه‌ای محسوب می‌شود. اختلاف جوامع بشری در ارزش‌های فرهنگی و مفاهیم ارائه شده از جرم، مجرم و مجازات از مکتبی به مکتب حقوقی و از جامعه‌ای به جامعه دیگر مانعی برای تبعیت حقوق جزا از یک سری اصول کلی مشترک نیست. همچنین مقررات جزایی هر کشوری وسیله ای برای حفظ ماهیت و شکل موجود توزیع ارزش‌ها میان احزاب، گروه‌ها و تمامی اعضای کشور است. قوانین اساسی و مدنی حقوقی را برای افراد جامعه بوجود آورده است، به این ترتیب می‌تواند شکل و میزان بهره مندی افراد و گروه‌ها را از ارزش‌های اجتماعی تغییر دهد. قوانین جزایی خود آفریننده حقوقی را برای افراد نیست، بلکه از طریق تهدید و تحمیل مجازات‌ها می‌کوشد تا افراد را به احترام و رعایت وضع موجود توزیع ارزش‌ها وادار کند. بدین ترتیب روشن است که نظام جزایی یک جامعه نمودار و منعکس کننده وضع اجتماعی آن جامعه بوده، باشکله حکومت و روابط اقتصادی و اجتماعی افراد همبستگی نزدیک دارد(۱) اگر چه بهره گیری از فرهنگ‌های متفاوت موجب تفاوت در ارزش‌ها و در نهایت منجر به تفاوت امر و نهی‌های مختلف در جوامع می‌شود و عملی که در یک نظام حقوقی جرم محسوب می‌شود از منظر نظام دیگر نه فقط جرم نبوده است بلکه مباح تلقی می‌شود، لیکن به دلیل اشتراک همه این نظام‌ها در موجودی به نام انسان که موضوع واکنش کیفری قرار می‌گیرد، وجوه مشترک متعددی می‌توان یافت که تفاوت‌های مذکور را تحت الشعاع قرار می‌دهد. در حقوق جزای عرفی این وجوه را می‌توان «اصول حقوق جزا» نامید، به نحوی که مرزهای جغرافیایی و اختلاف نگرش‌ها آن‌ها را از مرزی به مرز دیگر تغییر نمی‌دهد. دین مبین اسلام به عنوان مکتبی غنی که برای سعادت بشر برنامه‌های کامل و جامعی ارائه می‌دهد، در مباحث مربوط به حقوق جزا و جرم شناسی قرآن کریم مطالب دست یافتنی بسیاری دارد.

مفهوم حقوق جزا

حقوق جزای عمومی به بررسی مجموعه قوانین، قواعد و مقرراتی می‌پردازد که نظم اجتماعی را تأمین می‌کند و تخلف از این نظم را به عنوان جرم می‌شناسد و با مجازات و اقدام تأمینی و تربیتی بدان پاسخ می‌گوید(۲) حقوق جزا یا حقوق کیفری مجموعه قواعدی است که بر عکس العمل دولت در مقابل اعمال ضد اجتماعی حاکم می‌باشد تا از طریق تهدید به مجازات و یا اجرای آن و یا اقدامات تأمینی یا تربیتی، از اعمال مزبور پیشگیری و عدالت نسبی و نظم و انیت برقرار گردد. مرحوم دکتر علی آبادی حقوق جزا را قواعد و قوانینی دانسته که اجرای مجازات را در کشور تنظیم و تنسيق می‌کند(۳)

قران و اصلقانونی بودن جرایم و مجازات‌ها

فعل یا ترک فعل انسانی هر اندازه زشت و نکوهیده و برای نظام اجتماعی زیان‌بخش باشد، تا زمانی که حکمی بر آن وارد نشده و یا در قانون پیش‌بینی نشده باشد، قابل مجازات نیست. به بیان دیگر مادام که قانونگذار فعل یا ترک فعلی را جرم شناخته، کیفری برای آن تعیین نکند، افعال انسان مباح است. (۴) همچنان که هیچ جرمی بدون تصریح قانونی وجود ندارد، هیچ مجازاتی نیز بدون پیش‌بینی و تصریح قانونگذار ممکن نیست. همه افراد نه فقط باید بدانند کدام دسته از افعال انسانی جرم است، بلکه باید از ضمانت‌های اجرای دستورهای قانونگذار نیز باخبر شوند. مجازات مقرر در قانون آن‌ها را از اهمیتی که جامعه برای نقض این دستورها قایل است آگاه خواهد کرد. به این ترتیب، هر کس می‌تواند پیامد افعال و سود و زیان خود را از پیش سنجیده، در این ارزیابی مجازات فعل موردنظر را نیز لحاظ کند. (۴) سابقه این اصل که در قران به شکل فاعده می‌آید در دین اسلام بیش از ۱۳ قرن است و همین امر موجب امتیاز دین اسلام نسبت به قوانین موضوعه‌ای است که تا اواخر قرن هجدهم-زمانی که این قاعده به عنوان نتیجه‌ای از انقلاب فرانسه وارد قانون فرانسه شد - شناختی نسبت به این قاعده نداشتند. قاعده مذکور برای نخستین بار در سال ۱۷۸۹ در اعلامیه‌های حقوق بشر انتشار و سپس در سایر قوانین-موضوعه رسوخ یافت با وجود این، استنتاج این قاعده از برخی آیات قرآنی یا سنت نبوی وقواعد اصولی امکانپذیر بوده است.

در آیه‌های قرآنی یا سنت نبوی، نص آشکاری مبنی بر عمل به این قاعده در حوزه قانونگذاری کیفری وجود ندارد. به بیان دیگر، نصی یافت نمی‌شود که بر اتخاذ این قاعده در قانونگذاری کیفری اسلامی دلالت داشته باشد.

با وجود این، استنتاج این قاعده از برخی آیات قرآنی یا سنت نبوی و قواعد اصولی امکانپذیر بوده است و استخراج آن چندان دشوار نیست. برخی آیات قرآن کریم مانند «و ما کنا معذبین حتی نبعث رسولا» (۵) «و ما کان ربک مهلک القرى حتی یبعث فی امها رسولا یتلوا علیهم آیاتنا» (۶) «قل للذین کفروا ان ینتهوا یغفر لهم ما قد سلف» (۷) و آیه «عفا الله عما سلف و من عاد فینتقم الله عنه» (۸)، بر این امر دلالت دارند. (۹) سابقه این قاعده در دین اسلام بیش از ۱۳ قرن است و همین امر موجب امتیاز دین اسلام نسبت به قوانین موضوعه‌ای است که تا اواخر قرن هجدهم - زمانی که این قاعده به عنوان نتیجه‌ای از انقلاب فرانسه وارد قانون فرانسه شد - شناختی نسبت به این قاعده نداشتند. قاعده مذکور برای نخستین بار در سال ۱۷۸۹ در اعلامیه‌های حقوق بشر انتشار و سپس در سایر قوانین موضوعه رسوخ یافت. (۱۰) آیه مبارکه «ما کنا معذبین حتی نبعث رسولا» (۱۱) از جمله بیانات زیبایی قرآن کریم درباره این اصل است. آیه ۵۹ سوره قصص و آیه ۱۵۹ سوره نساء نیز از جمله تأکیدات این کتاب وزین و مقدس بر این مطلب است که خداوند متعال تا زمانی که دستورات خود را از طریق ارسال رسل ابلاغ نفرموده است، بنده‌ای را به مجازات نمی‌رساند. به عبارتی علمای مذهبی مبنای حقوق را اراده خداوند تبارک و تعالی می‌دانند که با ارسال پیامبران و نزول وحی بر آنان قوانین و مقررات لازم را برای مردم اعلام داشته است (۱۲) در کتب آسمانی و الهی، احکام و قوانین بسیاری برای حفظ حق الله و حق الناس از طریق پیش‌بینی ضمانت‌های اجرای کیفری در قبال تخلف از مقررات مزبور پیش‌بینی شده است. سیاست کیفری شریعت مذهبی توحیدی که در مبارزه با اعمال ناپسند و حفظ نظم عمومی و امنیت جامعه به عدل مطلق و خیر حقیقی پایه‌گذاری شده مبتنی بر دو موضوع: الف- پیشگیری از ارتکاب گناه، از طریق هدایت مردم به سوی الله و روز جزا (معاد)، تزکیه نفس و- تهذیب باطن، جلب خیر، دفع شر و ضرر، توصیه بر اجتناب از تجاوز و تعدی افراد به حقوق یکدیگر، امر به معروف و نهی از منکر. ب- اعمال کیفر در جهت اجرای عدالت، نفی حالت خطر ناک، دفع اشخاص فاسد، تادیب و اصلاح، ارباب بزهکار. الف- اصل قانونی بودن جرم و مجازات یکی از اصول اولیه و مسلّم حقوق جزایی که شرع مقدس اسلام بر آن تصریح کرده، «اصل قانونی بودن جرایم و مجازات‌ها» و یا همان «قاعده قبح عقاب بلا بیان» است و این قاعده از قواعد مسلم نزد فقیهان و اصولیون به شمار می‌رود و درصدد بیان این معناست که هیچ مجازاتی بدون وجود قانون قابل تصور نیست. دین اسلام سالها قبل از تولد مکاتب مختلف در قرآن و احادیث این قاعده را مورد توصیه موکد قرار داده است. فعل یا ترک فعل انسانی هر اندازه زشت و نکوهیده و برای نظام اجتماعی زیان‌بخش باشد، تا زمانی که حکمی بر آن وارد نشده و یا در قانون پیش‌بینی نشده باشد، قابل مجازات نیست. به بیان دیگر مادام که قانونگذار فعل یا ترک فعلی را جرم شناخته، کیفری برای آن تعیین نکند، افعال انسان مباح است همچنان که هیچ جرمی بدون تصریح قانونی وجود ندارد، هیچ مجازاتی نیز بدون پیش‌بینی و تصریح قانونگذار ممکن نیست. همه افراد نه فقط باید بدانند کدام دسته از افعال انسانی جرم است، بلکه باید از ضمانت‌های

اجرای دستورهای قانونگذار نیز باخبر شوند. مجازات مقرر در قانون آن‌ها را از اهمیتی که-جامعه برای نقض این دستورها قایل است آگاه خواهد کرد. به این ترتیب، هر کس می‌تواند پیامد افعال و سود و زیان خود را از پیش سنجیده، در این ارزیابی مجازات فعل موردنظر را نیز لحاظ کند. (۴) همانطور که در قبل ذکر گردید درآیه‌های قرآنی یا سنت نبوی، نص آشکاری مبنی بر عمل به این قاعده در حوزه قانونگذاری کیفری وجود ندارد. به بیان دیگر، نصی یافت نمی‌شود که بر اتخاذ این قاعده در قانونگذاری کیفری اسلامی دلالت داشته باشد (۹)

اصل دوم اجبار در حقوق جزا

در قرآن کریم اگرچه امکان تقسیم‌بندی الزامات به قراردادهای ناشی از تعهدات بین افراد و نیز الزاماتی که جنبه عمومی دارند، وجود دارد، لیکن به دلیل آن که الزامات با هر منشأ، از ناحیه شارع مقدس در قالب اوامر و نواهی نمود پیدا می‌کند؛ بدین نحو که ترک آنچه لازم به عمل بوده و نیز عمل به آنچه منهی بوده دارای پاسخ اخروی است، بنابراین گستره الزامات قرآنی وسیع‌تر از حقوق جزاست؛ برای نمونه در آیات ۲۹ و ۳۲ سوره نساء، ۷ حدید، ۲۷ اسراء، ۱۹۵ بقره و ۳۵ توبه مالکیت خصوصی و حقوق مربوط به آن را مورد تأکید قرار می‌دهد و یا در آیه یک مائده وفای به پیمان‌ها را یادآوری می‌کند و همین طور صدها آیه در خصوص مسائل اجتماعی، خانوادگی، اقتصادی و فرهنگی ناشی از روابط افراد را مطرح می‌کند که بی‌توجهی به آن‌ها علاوه بر این که موجب ورود ضرر مادی می‌شود، به دلیل خروج انسان از مسیر هدایت دارای عذاب آخرت خواهد بود. همان طوری که ارتکاب سرقت، قتل، زنا، قذف و محاربه به حکم آیات ۳۸ و ۳۹ مائده، ۱۷۹ بقره و ۹۳ نساء، ۲، ۴ و ۵ نور، ۳۳ مائده مجازات دنیوی و عقاب اخروی دارد.

اصل سوم شخصی بودن مجازات‌ها

بی‌گناه و باگناه را باهم نمی‌سوزانند به عکس آنچه معروف است که عوام می‌گویند آتش که گرفت خشک و ترمی سوزد در منطق عقل و تعلیمات انبیاء هیچ بی‌گناهی به جرم گناه دیگری مجازات نخواهد شد، در تمام شهرهای لوط یک خانواده مؤمن وجود داشت خدابه هنگام مجازات آن قوم-منحرف و آلوده، آن یک خانواده را نجات داد. ه این اصل در قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری تصریح شده است ر جوامع اولیه این اصل رعایت نمی‌شد و در قبال جرمی که فرد انجام می‌داد خانواده و حتی در مواردی قبیله وی مسئولیت داشتند. در نظام‌های جزایی معاصر هم با انقلاب فرانسه این اصل به حقوق جزا راه یافت.

قرآن کریم در آیات متعددی به این اصل اشاره دارد. «ولا تزر وازره وزر اخری» (۱۳)، «من عمل صالحا فلنفسه و من أساء فعلیها» (۱۴)، «و لا تکسب کل نفس الا علیها» (۱۵)

از طرف دیگر تشریح قصاص به صورتی که در اسلام وضع شده و خداوند سبحان فرموده است: «ولکم فی القصاص حیاة» (۱۶) خود نیز به طریق دیگری نشان دهنده اصل شخصی بودن مجازات‌هاست. در دوران جاهلیت در مقابل ارتکاب قتل از ناحیه قاتل، شماری از اعضای خانواده، بستگان و حتی قبیله قاتل، بسته به قدرت قبیله مقتول مجازات می‌شدند و به قتل می‌رسیدند و خداوند با آیه «کتب علیکم القصاص فی القتلی الحر بالحر و...» تسری مجازات به غیرقاتل را منع کرده است، بدین طریق موجب حیات و آرامش در زندگی اجتماعی شد (۱۷).

اصل سوم مشخص بودن و محدودیت مکان قوانین

قوانین جزایی درباره کلیه کسانی که در قلمرو حاکمیت زمینی، دریایی و هوایی جمهوری اسلامی ایران مرتکب جرم شوند اعمال می‌گردد مگر آن که به موجب قانون ترتیب دیگری مقرر شده باشد.

سرزمینی بودن قوانین جزایی واجد دو جنبه مثبت و منفی است. جنبه مثبت آن شمول قوانین جزایی بر همه ساکنان کشور است؛ اعم از آن‌هایی که اتباع کشور بشمار می‌روند و یا خارجیان مطیع قوانین جزایی. جنبه منفی آن عدم اعمال قوانین جزایی کشور در مورد کسانی است که در خارج بسر می‌برند، حتی اگر از اتباع دولت ایران باشند. اصل سرزمینی بودن قوانین

جزایی قابل توجیه و دفاع است؛ به این ترتیب که قوانین جزایی مربوط به نظم عمومی جامعه است و همه ساکنان کشور باید نظم عمومی را رعایت کنند و اصولاً اعمال کسانی که در خارج از کشور بسر می‌برند، مغایر نظم آن جامعه نیست. به علاوه رعایت قوانین کشور مستلزم اطلاع و آگاهی نسبت به آن است و افرادی که در خارج از کشوری بسر می‌برند مکلف به اطلاع و آگاهی از قواعد جزایی آن کشور نیستند. (۱۸)

مواخذه و ضمانت اجرا

پیش‌بینی ضمانت‌های اجرای کیفری به موجب قانون از ابتکارات قانونگذار است ولی تعیین میزان مجازات یا اقدام تأمینی مناسب بر حسب مورد با قاضی است. (۴) در واقع مجازات، واکنش جامعه در مقابل جرمی است که نظم آن را مختل کرده، هنجارهایش لطمه دیده و ارزش‌هایش درهم نوردیده است.

تاریخ بشری این را می‌گوید: با خلقت بشر جرم ایجاد شد و ادامه دارد. پاسخ‌ها به این نقض قانون با ضمانت اجراهای متفاوتی همراه بوده است. از مجازات‌های بدنی دوران انتقام خصوصی تاکنون که صحبت از بزه‌دیده‌شناسی است، ضمانت اجراها تغییرات عمده‌ای یافته‌اند اما آنچه ثابت مانده این است که کیفر به عنوان مجازات و جزا وجود دارد. (۱۹)

با توجه به شرایط جوامع و شدت مجازات‌ها تناسب نداشتن جرم و مجازات و بی‌توجهی به شخصی بودن مجازات‌ها، در قرن هجدهم با رویکردی انسانی و هدفمند کیفر مورد توجه قرار گرفت و نظریات جدیدی با هدف انسانی کردن نظام مجازات‌ها مطرح شد که خود این نظریات در حال تغییر و تحول است و ره‌آورد زیادی برای جامعه بشری داشته است. (۲۰) هلاکت قوم‌های عاد، ثمود، قارون، فرعون و هامان به خاطر ارتکاب منکرات و نافرمانی (۲۱) از این جمله است. نکته مهمی که در ضمانت اجراهای قرآنی به چشم می‌خورد و به نظر نگارنده حقوق جزا فاقد آن است، تقدم توجه به کمال انسان حتی مجرم از طریق برنامه‌های تعلیم و تزکیه بر کیفر که سلاح اصلی حقوق جزا در مقابل مجرم است، می‌باشد.

اصل برات

اصل برات و آیه ماکننا معذبین مفهوم آیه این است که در مسائلی که عقل قادر به درک آن نیست، خداوند بدون بعث رسولان یعنی بیان احکام و وظائف، کسی را مجازات نمی‌کند، و این -دلیل بر نفی مجازات و عقاب در موارد عدم بیان است، و اصل برات نیز چیزی جز این نمی‌گوید که عقاب بدون بیان صحیح نیست. (۱۰) سوره قصص آیه ۵۹: «وَمَا كَانَ رَبُّكَ مُهْلِكَ الْقُرَىٰ حَتَّىٰ يَبْعَثَ فِي أُمَمٍ رَسُولًا يَتْلُوا عَلَيْهِمْ آيَاتِنَا...» پروردگارتو هرگز شهرها و آبادی‌ها را هلاک نمی‌کرد تا اینکه در کانون آنها پیامبری مبعوث کند که آیات ما را بر آنان -بخواند. تا تمام حجت نکنیم و پیامبران را بادتستورات صریح نفرستیم مجازات نخواهیم کرد. جمله حتی یبعث فی امها رسولا به این اشاره می‌کند که لزومی ندارد در هر شهر و روستا پیامبری مبعوث شود، همین اندازه که در یک کانون بزرگ که مرکز پخش اخبار و محل اندیشمندان و متفکران یک قوم است پیامبری مبعوث گردد کافی است، زیرا مردم تمام آن منطقه بر اثر نیازهای زندگی مرتباً به آنجا رفت و آمد دارند و هر -خبری در آنجا باشد به سرعت در تمام منطقه و نقاط دور و نزدیک پخش می‌گردد.

نتیجه‌گیری

تاریخ حقوق جزا براساس اندیشه‌ها و مکاتب حقوقی مختلف تحولاتی را پشت سر گذاشته است. و این سیر تکامل کماکان ادامه دارد جرم، مجرم و مجازات سه ضلع مثلث حقوق جزای عمومی را تشکیل می‌دهد، به همین دلیل در مقررات جزایی اغلب کشورها کلیات قانون جزای مصوب به این سه موضوع اختصاص می‌یابد، اگرچه در هر یک از این موضوعات زیرشاخه‌های دیگری مورد اشاره قرار می‌گیرد.

در نظام‌های حقوقی مختلف، حقوق جزا ضامن ارزش‌های مورد حمایت هر جامعه‌ای محسوب می‌شود. اختلاف جوامع بشری در ارزش‌های فرهنگی و مفاهیم ارائه‌شده از جرم، مجرم و مجازات از مکتبی به مکتب حقوقی و از جامعه‌ای به جامعه دیگر

متفاوت استبا نگاهی برکیفریمی توان توجه مقطعی هر یک را به مفاهیم جرم، مجرم و مجازات، صرفاً براساس مقتضیات یک عصر خاص دریافت.

اگر چه بهره گیری از فرهنگ‌های متفاوت موجب تفاوت در ارزش‌ها و در نهایت منجر به تفاوت امر و نهی‌های مختلف در جوامع می‌شود و عملی که در یک نظام حقوقی جرم محسوب می‌شود از منظر نظام دیگر نه فقط جرم نبوده است بلکه مباح تلقی می‌شود، لیکن به دلیل اشتراک همه این نظام‌ها در موجودی به نام انسان که موضوع واکنش کیفری قرار می‌گیرد، وجوه مشترک متعددی می‌توان یافت که تفاوت‌های مذکور را تحت الشعاع قرار می‌دهد. در حقوق جزای عرفی این وجوه را می‌توان «اصول حقوق جزا» نامید، به نحوی که مرزهای جغرافیایی و اختلاف نگرش‌ها آن‌ها را از مرزی به مرز دیگر تغییر نمی‌دهد. دین مبین اسلام به عنوان مکتبی غنی که برای سعادت بشر برنامه‌های کامل و جامعی ارائه می‌دهد، در مباحث مربوط به حقوق جزا و جرم شناسی قرآن کریم مطالب دست یافتنی بسیاری دارد. اسلام به عنوان کامل‌ترین دین معرفی شده است و در عین حال که کتاب قانون یا علم و رشته علمی خاصی تلقی نمی‌شود طول تاریخ خلقت بشری را منطبق با نیازهای هر عصر و زمانی با برنامه‌ها و تعلیمات به تصویر کشیده است که مراجعه به آیات مختلف مربوط به تاریخ و فلسفه خلقت انسان، نظارت و هدایت الهی، راهنمایی پیامبران الهی، الگوهای تربیتی ارائه شده و عبرت‌های مورد تأکید قرار گرفته و سایر برنامه‌ها و دستورات، حاکی از وجود اندیشه‌هایی مقدم بر اندیشه‌های حقوق جزاست.

منابع و مراجع

- [۱] صانعی، پرویز، (۱۳۸۹). حقوق جزای عمومی، تهران، کتابخانه گنج دانش.
- [۲] نوربها، رضا، (۱۳۸۶) زمینه حقوق جزای عمومی، تهران، کتابخانه گنج دانش.
- [۳] علی آبادی، دکتر عبدالحسین، (۱۳۹۵). حقوق جنایی، جلد اول.
- [۴] اردبیلی، محمدعلی، (۱۳۹۴). حقوق جزای عمومی، تهران، نشر میزان.
- [۵] قرآن مجید، سوره اسراء آیه ۱۵.
- [۶] قرآن مجید، سوره قصص آیه ۵۹.
- [۷] قرآن مجید، سوره انفال آیه ۳۸.
- [۸] قرآن مجید، سوره مائده آیه ۹۵.
- [۹] عوا، محمد، (۱۳۹۲). درآمدی بر اصول نظام کیفری اسلام، ترجمه حمید روستایی صدرآبادی، تهران، انتشارات سلسبیل.
- [۱۰] عوده، عبدالقادر، (۱۳۷۲). حقوق جزای اسلامی، ترجمه ناصر قربان‌نیا، سعید رهایی، حسین جعفری، بازنگری عباس شیری، تهران انتشارات جهاد دانشگاهی شهید بهشتی.
- [۱۱] قرآن مجید، سوره اسراء آیه ۱۵.
- [۱۲] قرآن مجید، سوره حدید، آیه ۲۵.
- [۱۳] قرآن مجید، سوره فاطر، آیه ۱۸.
- [۱۴] قرآن مجید، سوره نساء، آیه ۱۲۳.
- [۱۵] قرآن مجید، سوره انعام، آیه ۱۶۴.
- [۱۶] قرآن مجید، سوره بقره، آیه ۱۷۹.
- [۱۷] عباس نژاد، محسن، (۱۳۸۵). قرآن و حقوق، مشهد، بنیاد پژوهش‌های قرآنی حوزه و دانشگاه.
- [۱۸] باهر، محمد، (۱۳۸۱). حقوق جزای عمومی، تهران، نشر رهام.
- [۱۹] رشادتی، جعفر، (۱۳۹۰). پیشگیری از جرم در قرآن کریم، تهران، انتشارات پیام راشده.
- [۲۰] صفاری، علی، (۱۳۸۶). کیفرشناسی، تهران، انتشارات جنگل، جاودانه.
- [۲۱] قرآن مجید، سوره عنکبوت، آیه ۳۹.